

عنوان مقاله: تحلیلی بر حقوق کودک دو جنسی

پژوهشگر: سمیه کاظم زاده دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

(دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان)

چکیده

گاهی، دست تقدیر از نطفه و از ابتدای به دنیا آمدن کودک، سرنوشت شگفتی را برای او رقم می‌زند. انسانها یا پسر به دنیا می‌آیند یا دختر؛ اما بر این روال استثنایی نیز به ندرت وجود دارد و آن به دنیا آمدن کودک دو جنسی است. کودکانی که با آگاهی اطرافیان از وضعیت ویژه شان از سوی آنان رانده می‌شوند و تا خود را می‌شناسند و پی به جنسیت نامعلوم خود می‌برند، فشارهای روانی آغاز می‌شود و تا روشن شدن تکلیف، همچنان سرخورده هستند و زجر می‌کشند. برای روشن شدن تکلیف این دسته از افراد با فتوای امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۴ پس از تعیین جنسیت با نظر پزشکی قانونی، عمل جراحی جنبه شرعی یافت و برای نخستین بار، تغییر جنسیت انجام شد. دو جنسی‌ها در متون فقهی خنثی نامیده می‌شوند، افرادی هستند که دارای یک یا چند صفت از دو جنس مذکر و مونث هستند.

تغییر جنسیت یکی از موضوعات مهمی است که موجب پیدایش مسایل جدید حقوقی شده است به ویژه مسایل مربوط به کودکان دو جنسی؛ مثلاً در خصوص دو جنسی‌های حقیقی به لحاظ غبطه و مصلحت کودک و اختلاف در روایات باید حضانت او را همانند دختر تا ۷ سالگی با مادر دانست و بلوغ این افراد با پیدایش دو اماره یا علامت از دو جنس مخالف ثابت می‌گردد. ارث این افراد مطابق متون فقهی و ماده ۹۳۹ قانون مدنی نصف مجموع سهم الارث زن و مرد می‌باشد.

در این مقاله ما در پی مباحثی از قبیل حقوق کودک دو جنسی در مساله ارث و حضانت و ولایت آنها می‌باشیم تا به سوالات متنوعی که در این مورد پیش می‌آید پاسخ دهیم. پرسش‌هایی از این قبیل که:

- آیا تغییر جنسیت جایز است؟

- فردی که تغییر جنسیت داده، از والدین خود به چه سهمی ارث می‌برد؟

- آیا جنسیت کنونی او ملاک است یا جنسیت پیش از تغییر؟

- اگر پدر یا مادر تغییر جنسیت دهد، حضانت و سرپرستی کودکان چگونه خواهد بود؟

- آیا برای فرزندان که دارای اختلال دو جنسی هستند می‌توانیم مجوز سقط بدهیم؟

در این مجال، بنا بر توان و حوصله گفتار در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها هستیم.

مقدمه

هویت جنسی محصول سرمشق های بی شماری است که از اعضای خانواده، آموزگاران، دوستان و پدیده های فرهنگی کسب می شود. در شکل گیری هویت جنسی، نگرش های والدین و فرهنگ جامعه، اندام های بدن کودک و عوامل ژنتیکی نقش دارند که از لحاظ فیزیولوژیکی تا هفته ششم زندگی جنین فعالند. اگر در دوران کودکی برخورد درستی با کودک نشود، قطعاً اختلالات هویت جنسی در او پدید می آید و او را تبدیل به فردی سردرگم می کند. با توجه به دلایل و مدارک موجود، دلیل بر حرمت بودن اصل تغییر جنسیت وجود ندارد اما انجام دادن این عمل از راه مشروع مشروط بر آن است که شخص گرفتار حرام های جانبی نشود؛ بنابراین تغییر جنسیت در کودک بهتر است زمانی انجام بگیرد که کودک هنوز به مرحله ی تشخیص نرسیده است و در این مورد توجه به اینکه مصلحت و سود کودک در نظر گرفته شود ضروری است و با اجازه ولی او امکان پذیر است.

بلوغ در خنثی مشکل موقعی محقق می شود که از عهده ی تشخیص سود و زیان خود برآید؛ تشخیص نیکی و بدی ملاک نیست و سن بلوغ در قانون مدنی با توجه به اصلاح سال ۶۱ تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ را در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری معین کرد. از نظر پزشکی ۱۸ تا ۲۰ سالگی بهترین زمان جراحی تغییر جنسیت است.

واژگان کلیدی: تغییر جنسیت، حق، خنثی، دو جنسی ترانس سکشوال، اختلالات دو جنسی.

پیشینه موضوع

تغییر جنسیت تقریباً مفهوم روشنی دارد؛ به نظر نگارنده عبارت است از تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد یا تبدیل خنثی (khonsa) و یا دو جنسی (Hermaphrodite) به مرد یا زن و نیز تبدیل مرد یا زن به خنثی.

البته در مفهوم گسترده تر، تغییر جنسیت شامل تغییر جنسیت در حیوانات و گیاهان هم می‌شود.

نخستین تغییر جنسیت در ایران به سال ۱۹۳۰ میلادی توسط دکتر خلعتبری صورت گرفت؛ پسر هجده ساله‌ای را با عمل به دختر تبدیل کرد. این تغییر جنسیت در مورد جوان ترانس سکشوال (transsexual) بود که از نظر جسمی کاملاً مرد بود و از نظر روحی و روانی خود را زن می‌دانست.

نخستین تغییر جنسیت در انگلستان در فاصله‌ی سالهای ۱۹۴۲-۱۹۴۸ میلادی؛ پیشینه تغییر جنسیت در آمریکا به سال ۱۹۵۲ و نخستین تغییر جنسیت در کشور مصر در سال ۱۹۸۲؛ در حقوق کشورهای اسلامی پیشینه موضوع به صدر اسلام و زمان حضرت علی (ع) بر می‌گردد. (به نقل از محمد مهدی کریمی نیا، معاون پژوهش مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی حوزه علمیه قم).

موضوع تغییر جنسیت

افرادی که ممکن است خواهان تغییر جنسیت باشند دست کم یکی از دو گروه زیر هستند:

۱- دو جنسی‌ها: این افراد دارای آلت تناسلی از هر دو جنس هستند از این رو دارای اختلال هویت جنسی یا

ابهام در جنسیت هستند. برای این گونه تغییر جنسیت، مخالفتی وجود ندارد چون بیماری محرز و ثابت است و درمان برای خروج از بلا تکلیفی جنسی است و حتی حقوقدانان سنی و کلیسای مسیحی که با تغییر جنسیت مخالف هستند با تغییر جنسیت این گروه مخالفتی ندارند. ۲- ترانس سکشوال‌ها: این گروه از دیدگاه روانی خود را وابسته به جنس مخالف می‌دانند؛ این گونه تغییر جنسیت مورد اختلاف شدید صاحب نظران است. به گفته‌ی برخی روانشناسان برخی از این بیماران هیچ راه درمانی جز تغییر جنسیت ندارند.

تقریباً همه فقهای سنی و کلیسای مسیحی با این عمل جراحی مخالفند. اما شمار فراوانی از فقیهان شیعه با این کار با وجود دو شرط زیر موافقت می‌کنند:

شرط نخست: بیماری ترانس سکشوال واقعی و قطعی باشد، افراد مشکوک مجاز به تغییر جنسیت نیستند.

شرط دوم: تغییر جنسیت باید به صورت کامل باشد. مرد کاملاً به زن تبدیل شود و یا عکس آن.

دلیل فقهای شیعه این است که دلیل شرعی از قرآن کریم یا روایات اسلامی مبنی بر حرام بودن تغییر جنسیت نداریم. بنابراین تغییر جنسیت، تغییر در آفرینش خدا محسوب نمی‌شود. امام خمینی (ره) نخستین فقیه و دانشمند مسلمان است که معتقد بود تغییر جنسیت حرام نیست.^۱

۱. موسوی، سید روح الله ... (امام خمینی)، تحریر الوسیله، ج ۲، (نجف، مطبعه الاداب، ۱۴۱۱ ه.ق).

وضع حقوقی تغییر جنسیت

با توجه به سکوت قانونگذار و فقدان نص قانونی در حقوق ایران آیا تغییر جنسیت امری مجاز و مشروع است یا امری نامشروع و ممنوع؟ در مجموع می‌توان نظریات را به سه گروه تقسیم کرد:

الف) نظریه ممنوعیت تغییر جنسیت

ب) نظریه مشروعیت تغییر جنسیت

پ) نظریه مشروعیت مشروط^۱

که نظریه سوم با واقعیت‌های دانش پزشکی منطبق‌تر است؛ بنابراین افراد را می‌توان از لحاظ وضعیت جنسی به سه گروه تقسیم نمود:

۱. خنثای بدنی

۲. خنثای روانی

۳. افراد عادی

در گروه خنثای بدنی شکی نیست و تغییر جنسیت مجاز است.^۲ در گروه خنثای روانی با توجه به دانش پزشکی و اینکه آن را بیماری تلقی نموده است به نظر می‌رسد هر بیماری حق دارید که بیماری خود را درمان کند و با توجه به احادیثی که از معصوم (ع) وارد است که درمان کنید دردهای خود را، هر دردی درمانی دارد و تنها مرگ درمان ندارد.

در گروه افراد عادی با توجه به اینکه قرارداد انجام عمل در صورتی نافذ است که عمل مزبور دارای منفعت عقلایی مشروع باشد در حالی که تغییر جنسیت این افراد امری

غیرمجاز و نامشروع است و افزون بر این برخلاف مصالح اجتماعی است.^۳

حقوق کودک دو جنسی

تغییر جنسیت و مساله ارث

فردی که تغییر جنسیت داده، از والدین خود به چه سهمی ارث می‌برد؟ آیا جنسیت کنونی او ملاک است یا جنسیت پیش از تغییر؟ نیز پدر و مادری که تغییر جنسیت داده است، از فرزند خویش به چه اندازه‌ای ارث می‌برد، آیا جنسیت کنونی او مورد نظر است یا جنسیت پیش از تغییر؟

این مساله در دو حالت بررسی می‌شود:

الف: ارث بدن فرد تغییر جنس داده از والدین خودش

ب: ارث بدن والدین تغییر جنس داده از فرزند خویش.

حالت الف: در این حالت، ملاک، جنسیت کنونی فرزند است. اگر یکی از کسان پسر یا دختر تغییر جنس داده بمیرد (مانند پدر یا مادر)، پسر کنونی دو برابر دختر کنونی ارث می‌برد و همچنین است در سایر طبقات ارث؛ پس اگر دختر به جنس پسر، تغییر جنسیت دهد، دو برابر دختر ارث می‌برد و بالعکس.

دلیل آن این است که ظاهر ادله شرعیه، اراده نموده‌اند فردی را که در هنگام موت مورث، مذکر یا مؤنث باشد. مانند آیه شریفه: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»؛ سهم میراث پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد.^۴

۳. نایینی، میرزا محمدحسین، منیة الطالب ج ۱، (قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ه.ق).

۴. نساء/ ۱۱

۱. باریکو، علیرضا، وضعیت تغییر جنسیت، شماره پنجم، سال اول، زمستان ۱۳۸۲

۲. موسوی، سید روح الله ... (امام خمینی)، پیشین، ص ۶۲۷

قانون مدنی در ماده ۹۰۷ می‌گوید: «... اگر اولاد متعدد باشند و برخی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می‌برد». در مورد ارث بردن فرزند از والدین اختلاف بین فقها وجود ندارد. تقریباً همه کسانی که مساله تغییر جنسیت را مطرح ساخته‌اند، ملاک را جنسیت کنونی در زمان موت مورث مد نظر قرار داده‌اند.

حالت ب: در این حالت، احتمالاتی مطرح است: احتمال ۱: والدین تغییر جنس داده، هرگز از فرزند خود ارث نمی‌برند و رابطه ارثیت به طور کامل قطع می‌گردد.

این احتمال بعید است. چون تغییر جنسیت از موانع ارث محسوب نمی‌شود. قانون مدنی ایران که متخذ از فقه امامیه است، به مواردی از موانع ارث اشاره دارد. در ماده ۸۸۰ می‌گوید: «قتل ار موانع ارث است...»؛ در ماده ۸۸۱ می‌گوید: «کافر از مسلم ارث نمی‌برد...»؛ و در ماده ۸۸۲ و ۸۸۳ به مانع بودن «لعان» و «انکار سببیت» اشاره دارد؛ و در ماده ۸۸۴ به ولدالزنا اشاره دارد.

بنابراین، نه در فقه امامیه و نه در قانون مدنی به مانع بودن تغییر جنسیت اشاره ندارد و والدین تغییر جنس داده می‌توانند از فرزند خود ارث ببرند.

احتمال ۲: احتمال دوم این است که ارث می‌برند. اما در این احتمال هم دو مبنا وجود دارد: مبنای اول: ارث بردن به لحاظ زمان تولید مثل. مبنای دوم: ارث بردن به لحاظ خویشاوندی و اولویت.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «لکن اشکال باقی می‌ماند در ارث پدر، مادر، جد و جده؛ که اگر پدر تغییر جنسیت دهد نه پدر فعلی محسوب می‌شود و نه مادر فعلی، و هم

چنین است اگر مادر تغییر جنس داده باشد، مرد فعلی نه مادر است و نه پدر. در این صورت آیا از نظر تولید مثل حال انعقاد نطفه ارث می‌برند یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا این که ارث نمی‌برند (سه احتمال)؟ در این مساله تردید وجود دارد و بهتر این است که بگوییم ارث می‌برند و ارث آنها به لحاظ انعقاد نطفه است. بنابراین، برای پدر در حال انعقاد نطفه $\frac{2}{3}$ و برای مادر $\frac{1}{3}$ می‌باشد و احتیاط مستحب این است که با هم مصالحه نمایند.^۱

تغییر جنسیت و مساله عناوین خانوادگی

آیا اگر برادر و خواهر تغییر جنسیت دهند، رابطه برادر و خواهر به طور کامل قطع می‌گردد یا نه؟

امام خمینی (ره) در این باره می‌گوید: «اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد و به جنس مخالف درآید، نسبت آن دو به یکدیگر قطع نمی‌شود، بلکه برادر، خواهر می‌شود و خواهر، برادر؛ و نیز اگر دو برادر با دو خواهر تغییر جنسیت دهند (دو برادر دو خواهر می‌شوند و دو خواهر، دو برادر می‌شوند)، و اگر عمویی تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمه و اگر عمه ای تغییر جنسیت دهد تبدیل به عمو می‌شود؛ همچنین با تغییر جنسیت، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می‌گردند.^۲

توضیح بیشتر آنکه عناوین دو قسم است:

۱. عناوین مشترک مانند عنوان عمو، دایی، خاله و

عنوان فرزندی.

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، تهران، انتشارات کاظمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۶۴

۲. همان، ج ۲، ص ۵۶۰.

۲. عناوین مختص. الف: از قبیل عنوان پدر و مادر است. ب: از قبیل عنوان پسر، دختر، برادر و خواهر است.

چنانچه عنوان خانوادگی، از عناوین مشترک باشد، تغییر جنسیت فرد، هیچ تغییری در آن عنوان ایجاد نمی‌کند. مانند عنوان فرزندی، دایی، عمو و خاله، به این معنا که اگر کسی تغییر جنسیت دهد از عنوان فرزندی خارج نمی‌شود و او همچنان فرزند والدین خود به شمار می‌آید اگر چه فرزند کنونی پسر است و در حالت پیش از تغییر جنسیت، دختر بوده است یا برعکس. نیز دایی این فرد که تغییر جنس داده، همچنان دایی او به شمار می‌آید و همچنین است عنوان عمو و خاله.

اگر عنوان خانوادگی از عناوین مختص (قسم الف) باشد مانند عنوان پدر بودن یا مادر بودن؛ پرسشی که پیش می‌آید این است که اگر پدر یا مادر تغییر جنس دهند آیا بر «پدر» عنوان «مادر» صادق است یا نه و نیز چنانچه «مادر» تغییر جنسیت دهد آیا عنوان «پدر» بر او قابل صدق است؟

در پاسخ باید گفت: از آنجایی که عنوان پدری و مادری به لحاظ انعقاد نطفه است پس با تغییر جنسیت، این عنوان همچنان باقی است و عنوان پدر به عنوان مادر تبدیل نمی‌شود و برعکس. همین مطلب در مورد «جد» و «جده» هم جریان دارد که با تغییر جنسیت، عنوان پدر بزرگ به عنوان مادر بزرگ تبدیل نمی‌گردد و برعکس.

اگر عنوان خانوادگی از عناوین مختص (قسم ب) باشد، مانند عنوان پسر، دختر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و

خاله که در مورد اینها، حالت کنونی ملاک و مبنا است. پس اگر تغییر جنسیت دهد، عنوان دختر را پیدا می‌کند و نیز اگر «برادر»، «عمو» و «دایی» تغییر جنسیت دهد به «خواهر»، «عمه» و «خاله» تبدیل عنوان می‌شوند.

تغییر جنسیت و مساله ولایت و سرپرستی کودکان

براساس ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، «برای نگاهداری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت و اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم، حضانت آنها با مادر خواهد بود».

اینک چنانچه مادر یا پدر تغییر جنسیت دهد، حضانت و سرپرستی کودکان چگونه خواهد بود؟

حالت اول: تغییر جنسیت مادر به مرد؛ در این حالت ولایت بر اولاد صغار پیدا نمی‌کند. آن عنوانی که ولایت برای آن ثابت می‌گردد عنوان آب (پدر) است که از منی او، فرزند پدید آمده است و همان گونه که در گفتار پیشین بیان گردید، عنوان پدر بودن و مادر بودن، از عناوین خاص است که با تغییر جنسیت، این عنوان همچنان باقی است. بنابراین، مادر به محض تغییر جنسیت، پدر نمی‌گردد بلکه همچنان عنوان مادر بر او اطلاق می‌گردد.

امام خمینی (ره) می‌گوید: اگر جنس مادر (به مرد) تغییر کند، برای او ولایت بر کودکان ثابت نمی‌شود. بلکه ولایت

کودکان برای جد پدری است و اگر جد پدری نداشت به عهده حاکم شرع است»^۱.

ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی می‌گوید: «هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند»؛ و ماده ۱۱۸۲ قانون مدنی می‌گوید: «هر گاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آنها محجور یا به علتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد، ولایت قانونی او ساقط می‌شود»؛ و در ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی می‌خوانیم: «هر گاه ولی قهری طفل محجور شود مدعی العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم، قیمی برای طفل معین کند».

حالت دوم: تغییر جنسیت پدر به زن؛ در این حالت دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: «چنانچه جنس مرد به جنس مخالف تغییر نماید، ظاهر آن است که ولایتش بر کودکان ساقط می‌گردد»^۲.

دو دلیل برای نظریه فوق می‌توان بیان داشت:

دلیل اول: ولایت بر عنوان «أب» مترتب است و به این مرد پس از تغییر جنسیت، صدق «أب» یا پدر نمی‌شود.

دلیل دوم: ولایت برای پدری ثابت است که باقی بر صفت رجولیت باشد و با تغییر جنسیت، این صفت از بین رفته است. بنابراین، ولایت او بر کودکان ساقط است.

نظریه دوم: چنانچه مرد به جنس مخالف، تغییر جنس دهد، این شخص همچنان نسبت به فرزندان ولایت دارد.

چون اولاً، بر این مرد که به جنس مخالف تبدیل شده، عنوان «پدر» همچنان صادق است و فرزند او می‌تواند بگوید که این شخص پدر من است که اکنون به جنس مخالف تبدیل شده است. به عبارت دیگر، عنوان اَبوت یا پدری بر فردی صادق است که فرزند از منی او ایجاد شده است. برای مثال اگر مرد با همسرش مجامعت نماید و سپس مرد برای ابد غایب گردد و فرزندی پدید آید، شکی نیست که آن مرد، پدر فرزند محسوب می‌شود در حالی که هیچ نقشی نداشته مگر ادخال منی در رحم مادر بچه، و همین مقدار برای صدق عنوان اَب کافی است اگر چه جنسیت او تغییر یابد.

و ثانیاً از ادله شرعیه مانند روایات نمی‌توان استظهار نمود که ولایت به حالت «رجولیت» اختصاص دارد بلکه این معنا قابل استظهار است که ولایت برای «پدر» است؛ یعنی آن کسی که در زندگی زناشویی، فرزند از منی او ایجاد شده است. پس از تغییر جنسیت، بقای ولایت به وسیله استصحاب قابل اثبات است و نمی‌توان گفت موضوع تغییر کرده است چون بدیهی است که این شخص همان کسی است که ولایت بر کودکانش، برای او ثابت بود و اکنون استصحاب می‌گردد.

حق حیات کودک دو جنسی

آیا برای فرزندان که دارای اختلال دو

جنسی هستند می‌توانیم مجوز سقط بدهیم؟

معاون سلامت بهداشت گفت: بیشتر نوزادان دو جنسی با دارو و جراحی محدود درمان می‌شوند و می‌توانند زندگی

۱. مومن، محمد، کلمات سدیدة فی مسائیل جدیدة، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، پیشین، ص ۵۵۹، مساله ۶.

عادی داشته باشند. بنابراین سقط جنین یا رها کردن این فرزندان از سوی خانواده ها بی مورد و ناشی از نداشتن آگاهی خانواده هاست. وی افزود: خدمات پیشگیری برای تشخیص اختلال های دوران جنین در کشور در حال گسترش است اما این که بتوانیم برای فرزندانمان که دارای اختلال دو جنسی هستند مجوز سقط بدهیم نیاز به طی مراحل قانونی دارد و در زمان حاضر قانون چنین اجازه‌ای را به طور کلی نداده است. حتی این که براساس قانون سقط درمانی بتوان پیش از ۴ ماهگی اجازه سقط جنین های با اختلال دو جنسی را داد نیز ممکن نیست زیرا این بیماری جز بیماری های اضطراب ایجاد کننده نیست و بیشتر آنها با دارو و جراحی قابل اصلاح است.^۱ سقط جنین در کشور ما هم از نظر قانونی و هم به طور کلی از نظر شرعی و اخلاقی اصلا کار درستی نیست. پزشکان هم آن را توصیه نمی‌کنند چون از نظر علمی هم درست نیست. خطر بروز حوادث در پی سقط جنین بسیار است و خطر زیادی مادر را تهدید می‌کند. (به نقل از هفته نامه‌ی سلامت، دکتر ملک منصور اقصی، متخصص بیماری های زنان و زایمان).

با کودک دو جنسی چگونه برخورد کنیم؟

پدیده تغییر جنسیت و شناخت افراد دو جنسی به طور کلی در دنیا هنوز جا نیفتاده است و مهمترین چالش در این زمینه آن است که خانواده ها نیز برای پذیرفتن این افراد دچار مشکل هستند. هنگامی که کودکی به دنیا می‌آید یک تا شش سالگی سنی است که رفتار شخصیتی

کودک پدیدار می‌شود والدین باید با مشاهده کوچک ترین رفتار نامانوس از سوی کودک روانپزشک یا متخصصان غدد را در جریان قرار دهند. به گفته پرفسور بهرام میرجلالی فوق تخصص جراحی تغییر جنسیت می‌گوید: پدر و مادرها نباید از کنار رفتارهای غیرمتعارف کودکان در سنین ۴ تا ۶ سالگی به سادگی عبور کنند وی اشاره می‌کند: طبق تحقیقاتی که ۲۵ سال بر آن متمرکز شده‌ام علاوه بر چندین تئوری که در این زمینه وجود دارد یک شوک عصبی که در سومین ماه از دوران بارداری بر مادر وارد می‌آید موجب ترشح هورمونی می‌شود که مستقیماً بر ساختمان مغز جنین تاثیر می‌گذارد همین امر زمینه تولد کودکانی با این عارضه را پدید می‌آورد. مهمترین مساله در درمان این است که جراحی به تنهایی نمی‌تواند راهگشا باشد عوامل اجتماعی و روانی نیز یک عضو جدایی ناپذیر مراحل درمان است که پیوسته باید در حرکت باشد.

بررسی ها نشان می‌دهد که واکنش تعدادی از والدین با بیماری فرزندان به حدی بوده است که آنها ترجیح می‌دهند فرزندانشان بمیرد یا خودکشی کند اما تغییر جنسیت ندهد. این افراد در کودکی در محیط مدرسه مورد تمسخر واقع می‌شوند و در مواردی مورد آزار جسمی و جنسی قرار می‌گیرند و در نتیجه از تحصیل محروم می‌شوند. ادامه تحصیل این گونه افراد در سن بالاتر در دانشگاه ها نیز بسیار دشوار است؛ در پیدا کردن شغل نیز دچار مشکل می‌شوند.

برخی مشکلات رفتاری کودکان را نمی‌توان به آسانی حل کرد و نیازمند دخالت صحیح متخصصان هستیم. مانند:

1 . www.aftab.ir

۱. رفتارهای خود آزار دهنده: این رفتارها می‌تواند به آسیب و یا حتی مرگ بینجامد و هرگز نباید به آن بی توجهی کرد. کلمه های تهدید آمیز از سوی کودکان برای جلب توجه پدر و مادر نوعی زنگ خطر است که باید جدی گرفته شود. احتمال خودکشی باید بسیار جدی گرفته شود.

۲. رفتارهای عجیب: رفتارهایی وجود دارند که چنان عجیب و غیرمعمول هستند که شما باید با تمام تلاشتان آنها را از میان ببرید. مانند توهم، صداهاى عجیب، پوشیدن دایمی لباس جنس مخالف و یا آرزوی اینکه کاش جنس مخالف بود، لباس پرستی جنسی و ...

باز نگهداشتن پل ارتباطی میان والدین و کودکان، بسیار مهم است؛ ما باید از کودکانمان بخواهیم تا اندیشه ها و احساسات خود را با ما در میان بگذارند تا بتوانیم آنها را درک کنیم و در بحران های زندگی به یاری آنها برخیزیم.

نتیجه گیری

تغییر جنسیت، در صورتی که با رعایت همه استانداردهای روز پزشکی برحسب تشخیص متخصص انجام شود با قواعد و اصول حقوقی منطبق و با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایر نیست. شخصی که از نظر قانونی و شرعی واجد این عمل تغییر جنسیت است حق دارد که تقاضای اصلاح شناسنامه خود را از دادگاه های دادگستری کند تا جنسیت و نام جدید او در آن درج شود. بنابراین ضرورت توجه به نکات زیر بسیار اساسی است:

- بالا بردن آگاهی مردم از طریق رسانه های ارتباط جمعی در خصوص بیماران دو جنسی.
- انگ زدایی از بیماران.
- حمایت از این بیماران به منظور انطباق آنها با جنسیت مورد خواست خود.
- ایجاد نگاه علمی و انسانی در مسئولان به جای نگاه اعتقادی و سیاسی در رویکردشان به بیماران دو جنسی.
- حمایت های قانون از بیماران دو جنسی و پیشگیری از تبعیض و بی عدالتی اعمال شده در جذب این بیماران در مشاغل دولتی.
- ارائه خدمات مددکاری و مشاوره.
- ارائه آموزش های لازم به منظور پیشگیری از رفتارهای پرخطر.
- ارائه بودجه لازم توسط دولت جهت تأمین بخشی از هزینه های درمانی این بیماران.
- ارائه آموزش هایی در خصوص نقش های جدید پذیرفته شده پس از تغییر جنسیت و مهارت های اجتماعی لازم.
- کمک به تامین سرپناه موقت این بیماران در صورت نداشتن حمایت خانوادگی.
- ارائه آگاهی های لازم به خانواده های این بیماران در پذیرش شرایط دشوار زندگی فرزندان و پیشگیری از طرد آنها.

فهرست منابع

۱. احدی، بنی جمالی، حسن، شکوه السادات، روانشناسی رشد، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰.
۲. استفن گاربر، ماریان دانیلز گاربر، روبین فرید من اسپیزمن، مترجمان: شاهین خزعلی، هومن حسینی نیک، احمد شریف تبریزی، چگونه با کودکم رفتار کنم؟ تهران مروارید، ۱۳۸.
۳. باریکو، علیرضا، اندیشه های حقوقی، شماره پنجم، سال اول، زمستان ۱۳۸۲
۴. باریکو، علیرضا، وضعیت تغییر جنسیت، شماره پنجم، سال اول، زمستان ۱۳۸۲
۵. شهیدی، مهدی، ارث، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۶. کریم نیا، محمد مهدی، تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی، معرفت، شماره ۳۶، ۱۳۷۶.
۷. مک درموت، دایان، مترجم: فرناز فرود، کلیدهای پرورش فرزندان امیدوار و موفق، تهران، صابرین، کتابهای دانه، ۱۳۸۳.
۸. موسوی، سید روح الله ... (امام خمینی)، تحریرالوسیله، ج ۲، (نجف، مطبوعه الاداب، ۱۴۱۱ ه.ق).
۹. مومن، شیخ محمد، تغییر جنسیت، فقه اهل بیت، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۷۵
۱۰. نایینی، میرزا محمدحسین، منیة الطالب ج ۱، (قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ه.ق).
۱۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی و خانواده، تهران، میزان، ۱۳۸۴،
۱۲. صفایی، سیدحسن و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹